

شرق

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ | به حضور نمادین دانش‌آموزان آغاز شد. عکس: عارفه فلاحی، باشگاه خبرنگاران جوان



تحلیل

حذف حداکثری زنان افغان

هیچ‌گونه تجربه و دانشی برای حکمرانی و مدیریت کلان کشور ندارد. طالبان در حالی سعی دارد خود را تغییریافته‌نشان دهد که عملکردش در همین حدود دو ماه گذشته خلاف ادعایش را نشان می‌دهد. به‌طور مشخص حذف وزارتخانه مربوط به امور زنان و تبدیل معنادار آن به وزارت امر به معروف و نهی از منکر و نیز جلوگیری از به مدرسه رفتن دختران از پایه ششم به بعد نشان‌دهنده موضع جدی، عقب‌مانده و تغییرنیافته طالبان به‌ویژه درباره زنان است. از سوی دیگر حذف حداکثری زنان کارمند و خانه‌نشین‌کردن آنها نشان‌دهنده نگاه طالبان است که طبق شریعتی که در خوانش، ایدئولوژی و استراتژی آنها تعریف می‌شود، زنان بهتر است در حداقل‌ترین شکل ممکن در جامعه حضور یابند. ممانعت از تجمع زنان کنشگر اجتماعی و حتی برخورد فیزیکی برای خاموش‌کردن صدای آنها در همین راستاست. به کارمندان زن اعلام شده تا اطلاع بعدی به



زهر ا مشتاق

طالبان با شرایط پیچیده‌ای روبه‌روست و به نظر می‌رسد در بلندمدت و حتی میان‌مدت دچار ناپایداری‌های جدی شود. خارج‌کردن مقادیر درخورتوجهی پول نقد از سوی دولت اشرف غنی، مسدودشدن حساب‌های موجود افغانستان در بانک‌های آمریکایی، ازدحام مردم برای بیرون‌کشیدن پول‌های‌شان از بانک‌ها، پرداخت‌نشدن حقوق کارمندان دولت در دو ماه گذشته و نیز برخی اختلافات داخلی گزارش‌شده میان طالبان و البته نگرانی از قدرت‌گرفتن تدریجی نیروی مقاومت در پنجشیر و تسری آن به سایر ولایات ازجمله جالش‌های جدی پیش‌روی طالبانی است که

www.sharghdaily.ir
شنبه ۳ مهر ۱۴۰۰ | ۱۸ صفر ۱۴۴۳ | ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم • شماره ۴۱۰۵ | ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۸:۱۵
اذان صبح فردا ۴:۳۲ • طلوع آفتاب ۵:۵۵
fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت



سر کارهای‌شان نیابند. برای مثال دو خط هوایی رسمی کشور با نام‌های کام‌ایر و آریانا به دستور طالبان تمام مهمان‌داران زن را حذف کرده‌اند. در ادارات مختلف نیز جر کارمندان مرد و انبوهی از طالبان هیچ زنی دیده نمی‌شود. دانشگاه‌ها نیز با نصب پرده، محل نشستن دانشجویان دختر از پسر را جدا کرده‌اند و در عمل حضور زنان در کم‌رنگ‌ترین شکل ممکن در برخی ادارات مثل بازرسی در فرودگاه‌ها هنوز وجود دارد و برقرار است. اشتباه فاحش طالبان سیاست حذف زنان است که خام‌دستانه تصور می‌کند به شکلی پنهانی در حال انجام آن است؛ درحالی‌که کوس رسوایی آن به تمام جهان رسیده است. زنان نیمی از پیکره جامعه افغانستان بوده و قابل حذف‌شدن نیستند. به‌ویژه آنکه زنان امروز افغانستان یک دوره ۲۰ساله بالندگی و رشد را طی کرده و هرگز به زنان دو دهه قبلی که طالبان در ذهن دارد، بازخواهند گشت.

چهره هفته

مجتهدشبه‌ستری با این اظهارنظر
«چهره هفته شرق» شد:

«دون شان جمهوری اسلامی است که افرادی خودروی خارجی سوار شوند»

در هفته گذشته یک خبر مهم در حوزه اقتصادی منتشر شد. طرح آزادسازی واردات خودرو به کشور در کمیسیون صنایع و معادن مجلس تصویب شده است. طرح آزادسازی واردات خودروی خارجی به ایران هم شامل خودروهای نو می‌شود و هم خودروهای کارکرده‌ای که سه سال از سال ساخت آنها گذشته باشد. این مصوبه با واکنش‌های فراوانی در ایران همراه بود. گروه زیادی در موافقت با آن سخن گفتند و گروهی با آن به مخالفت پرداختند.

از جمله مهم‌ترین مخالفان آیت‌الله مجتهدشبه‌ستری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود که در اظهارنظری گفت: «دون شان جمهوری اسلامی است که افرادی خودروی خارجی سوار شوند». عضو مجمع تشخیص درباره مصوبه مجلس درمورد واردات خودروهای خارجی گفت: «ایران کشوری است که نباید از ماشین‌های خارجی استفاده کند. برای جمهوری اسلامی زننده است افرادی سوار ماشین‌های خارجی شوند و از ماشین‌های جمهوری داخل استفاده نکنند. این دون شان جمهوری اسلامی است». البته بعد از این اظهارنظر تصاویری از آقای مجتهدشبه‌ستری سوار بر خودروی مکان منتشر شد که واکنش‌های فراوانی به همراه داشت. رقیب آیت‌الله مجتهدشبه‌ستری در این نظرسنجی محمد طهرانچی بود که گفته بود «غرب مقام خلیفه‌اللهی را به شهروندی تقلیل داده». مجتهدشبه‌ستری در این نظرسنجی ۶۴ درصد آرا را کسب کرد و چهره هفته شد. نظرسنجی انتخاب «چهره هفته شرق» هر هفته پنجشنبه در اینستگرام «شرق» برگزار می‌شود. در همین زمینه دفتر آیت‌الله مجتهد شبه‌ستری صوبایی‌ه ی روزنامه ارسال کرده است که در صفحات سیاسی به آن پرداخته شده است.

چالش‌های بالندگی نوجوانی



الهام فخاری

هفته‌های گذشته نماهایی از واگوبه‌های دبستگی و گریه چند نوجوان درباره یکی از بازیگران سینما دست به دست می‌شد. در گروه‌های گوناگون درباره این رفتار بچه‌ها گفت‌وگوهای چالشی درگرفت. بسیاری از میانسالان از چنین دبستگی‌ها و شیفتگی‌هایی دربرآشفته و نگران بودند. در یکی از گروه‌های دوستان هم‌سالم که بیشتر در دهه پنج و شش زندگی هستند، این‌حال و روز نوجوانان امروز را بنا نوجوانی‌های خودشان مقایسه و اظهار تأسف می‌کردند. امروز خبر درگذشت علی لندی، نوجوان فداکار ایده‌ای پخش شد. او هم یکی از نوجوانان دهه هشتادی بود که برای کمک به همسایگانش به آتش زد و سوخت. از خود بپرسید

نوجوانان امروز کدام هستند، این یا آن. آیا تعمیم هرکدام از این دو واگونکنده دقیقی از نوجوانی و نوجوانان است؟ این دو نمونه را بازگو کردم که یادآور بشوم آنچه نیاز به بازاندیشی و درست‌شدن دارد، داوری‌ها و رفتارهای کلیشه‌ای خود ما بزرگسالان امروز است. بسیاری از ما با اینکه مدرک آموزش دانشگاهی داریم، در زمینه‌های تخصصی کار می‌کنیم، کتاب‌خوان هستیم و از ابزارها و سپهره ارتباط‌های گروهی و رسانه‌ای بهره می‌بریم، و چه بسا فرزندان نوجوانی هم در خانه داریم، هنوز یک منبع درست و درمان فرایند بالندگی (رشد) آدمی: از زادن تا مردن را نخوانده‌ایم و برای بهتردانستن و زیستن از مشاور و روان‌شناسی کمک نگرفته‌ایم! داوری‌های کلیشه‌ای و دفاع‌های روان‌شناختی پابرچاشده ما را از شناخت بجا و درست نوجوانی به‌مثابه یک گامگاه آرازنده و البته حساس بالندگی بازداشته است و حکم‌های کلی می‌دهیم.

نوجوانی دوره بالندگی و جهش شناختی، چالش‌های عاطفی-هیجانی، رفتارهای گروه‌گرایانه و جهش توانایی‌های بدنی است. این‌همه ماجرا را تن و روان آدمی که تاکنون کودکی با مدیریت والدین بوده، باید تجربه کند و از این‌برهم‌خوردن تعادل‌ها بتواند تعدلی نو بسازد

هفته‌نوشت

چالش‌های بالندگی نوجوانی

و بیاید. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های بزرگسالان با نوجوانان کم‌توجهی به گوناگونی و پرشماربودن چالش‌های بالندگی نوجوانی است. نوجوان در جهانی باید خود را از نو بسازد که فراورده بزرگسالان و نسل‌های گذشته است. برای چالش‌هایی باید آماده شود که میانسالان و سبک زندگی آنها پدید آورده‌اند، و در پی نوجوبی‌هایی می‌خواهد برود که حق و سهم او از زیستن هستند؛ مانند پروانه‌ای که می‌خواهد پبله بگشاید، تحریرپذیرتر است و واکنشش پیرامون به‌ویژه بزرگسالان می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد. نوجوانان امروز توانایی‌هایی سازگار با شیوه و فناوری‌هایی دارند که البته بزرگسالان به پیش برده‌اند. جای گله نیست و نباید که از وابستگی بیشتر آنها به رسانه و فناوری ارتباطات شگفت‌زده شد. این جهانی است که خود ما و البته کهنسالان امروز ساخته‌ایم! قرار هم نیست نوجوانان امروز همان چیزهایی را که ما در نوجوانی شقیفته‌وار دوست داشتیم، بپسندند. دسترسی‌های آنان



علی لدنی نوجوان ۱۵ساله ایده‌ای که برای نجات دو خانم درآتش‌مانده، به آتش زد و خود گرفتار شعله‌های آتش شد و ساعت ۱۲صبح دوم مهر بر اثر شدت سوختگی، جان خود را از دست داد و بسیاری او را قهرمان ملی می‌دانند

به داده‌های نوشتاری، گفتاری و دیداری و شنیداری بسیار بیشتر از نوجوانی ماست. آنان زندگی ما را بازخوانی می‌کنند و خود برمی‌گزینند که چگونه باشند. وظیفه ماست آنچه تهدید رشدی در راه بالندگی نوجوان است، واقعیت را کژومژ می‌کند، به خود و دیگران آسیب می‌رساند و تعادل زندگی او را برهم می‌زند، مهار کنیم. مرجع شناختی-اجتماعی نوجوان بیش از آنکه والدین بزرگسال باشند، گروه همسالان، رسانه‌ها و چهره‌های برجسته هستند، آگاهی از این دگرگونی می‌تواند از کشمکش‌ها بکاهد. به‌یاد بیاوریم همان نوجوانی که عکس هنرپیشه را به دفترش می‌چسباند، برای نجات جان دیگران، برای پاسداری از میهن، برای آرمان‌ها بی‌پروا به آتش و خطر و معرکه می‌زند. نوجوان امروز به چالش‌های زیستی پیرامون حساس‌تر از ما و کنشگر است. دبستگی‌های نوجوانی نه مسخره‌اند نه هول‌آور، بخشی از روند بالندگی آدمی هستند. آنکه این دبستگی را مایه نمایش و خنده می‌کند، هول‌آور و خطرناک است. ما باید با این‌همه منبع و دسترسی تلاش کنیم نوجوانی را بهتر بشناسیم و در این چالش بزرگ بالندگی ورودروی نوجوانان نایستیم و نگذاریم از نوجوانی‌شان بهره‌کشی شود.

آسمان جهان

پیامی از آینده برای حال

جوان در نوجوانی و دهه ۲۰سالگی به خاطر کرونا «نسل کم‌شده» خطاب می‌شوند. آنها را نسل کم‌شده صدا می‌زنند؛ چون راهشان را در زمان و سنی که هر حرکت و چالش جدیدی بسیار مهم و تعیین‌کننده است، کم کرده‌اند. هرچند، این عادلانه است که آنها را «کم‌شده و از دست‌رفته» صدا بزینم؛ چون آنها هنوز نتوانسته‌اند از منظر بزرگسالی حرکتی انجام بدهند؟».

اما سریعاً برای نسل خود تعریفی نوین ارائه کردند، زمانی که گفتند: «ما جسارت به خرج می‌دهیم و می‌گوییم که «نسل استقبال‌کننده» بیشتر از «نسل کم‌شده» برای آنها، یعنی نسلی که با کرونا سر کردند، مناسب است. به‌ویژه آنکه این عبارت به این خاطر برای نسل جوان استفاده شده است که آنها به جای ترسیدن، با خوشامدگویی گرم از تغییرات استقبال کردند و با قدم‌های استوار به سمت آینده حرکت کردند».

و در پایان بذر امید پرداختند و گفتند: «درست مثل تلاش‌هایی که برای واکسیناسیون انجام می‌شود، معتقدیم که تلاش‌های بی‌شماری برای برگرداندن زندگی به نقطه شروع، انجام می‌شود. معتقدیم به روزی که بتوانیم همدیگر را به صورت رودرو ببینیم، نزدیک هستیم. امیدوارم که تمام ایده‌های پیر و کج و کوژ بود که دنیا را به همدیگر خوشامد بگوییم.»

آنان در این هفتادوششمین نشست سازمان ملل برای جهان چیزی خواندند از قنمتان آینده و جوان. سرودی خواندند که در برابر انسدادها و افکار کهنه و پوسیده و مخرب بود. ترانه آنان رد و فراموشی را در جملاتشان خواندند: «درست که چیزی که می‌خواهیم بگوییم این است که امیدواریم به آینده به‌عنوان به چیز تاریک و ناامیدکننده نگاه نکنید؛ چون ما در واقع کسانی را داریم که برای دنیا تفکر و تلاش می‌کنند و به دنبال یافتن بهترین مسیر به سمت دنیای آینده هستند. می‌دانیم که هنوز چندصفحه‌ای از داستانی که خودمان شخصیت‌های اصلی آن هستیم، باقی مانده. پس امیدواریم که به آن به‌عنوان یک مشکل ناامیدکننده که به انتهای خود رسیده، نگاه نکنید.»

از نگاه پیران به زندگی و عشق و امید جوانان و هم‌نسلان خود گفتند: «ما شنیدیم که نسل

حق‌بان

داستان گواهی حصر وراثت



ابراهیم ایوبی وکیل دادگستری

با مرگ انسان حیات او پایان می‌یابد، اما زندگی حقوقی و مالی او همچنان ادامه خواهد داشت. در نهایت هر فردی از خود اموال یا تعهداتی (مثبت یا منفی) به جا می‌گذارد که تعیین تکلیف آن برای بازماندگان اهمیت دارد. گاهی اوقات تنها اثر متوفی برای وراث، دین اوست. دریافت «گواهی حصر وراثت» اولین اقدام وراث برای روشن‌کردن وضعیت حقوقی/مالی فرد درگذشته در مقابل طلبکاران، بدهکاران و همچنین نهادهای اداری یا قضائی است. اولین بار در قانون «امور حسبی» (۱۳۱۹) صحبت از «تصدیق انحصار وراثت» به میان آمد. در ماده ۳۴۰ آمده است: «در صورتی که وارث متوفی یا سایر اشخاص ذی‌نفع بخواهند تصدیق انحصار وراثت دریافت کنند، درخواست‌نامه کتبی... به دادگاه تسلیم می‌نمایند». در حال حاضر علاوه بر قانون امور حسبی، اصول حاکم بر دادرسی این سند در قانون «مدنی» (۱۳۰۷)، قانون «مالیات‌های مستقیم» (۱۳۶۶)، قانون «آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی» (۱۳۷۹) و قانون «شوراهای حل اختلاف» (۱۳۹۴) آمده است. نخستین موضوع برای دریافت گواهی، تعیین مرجع صالح است. هرچند در قانون امور حسبی صحبت از دادگاه یا محکمه به میان آمده، اکنون با تغییراتی که پس از ۹۰ سال در نظام قضائی ایجاد شده، طبق بند «ت» ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف که «صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن» را در صلاحیت این نهاد دانسته، موضوع در صلاحیت انحصاری شورای حل اختلاف است. در شهرهایی مانند تهران که در هر منطقه یک شورا وجود دارد، شورای حل اختلاف آخرین اقامتگاه متوفی صالح به رسیدگی است. یک نفر یا همه افرادی که حق تقاضا دارند، می‌توانند با مراجعه به هر یک از دفاتر خدمات الکترونیک قضائی در کشور، نسبت به طرح دادخواست اقدام کنند. البته قانون‌گذار برای ذینفع (مانند طلبکار) نیز این حق را قائل شده است که علت آن دفاع از حقوق او در برابر اهمال‌کاری احتمالی وراث در ادای دین اوست. البته افسرد ذینفع به دلیل دراختیارنداشتن همه اسناد معمولاً در دریافت گواهی دچار مشکل می‌شوند. مدارکی که باید هنگام ثبت دادخواست ارائه شوند سه دسته‌اند: شناسنامه‌های، گواهی فوت و استشهاده. لازم است همه وراث شناسنامه خود و نیز شناسنامه باطل‌شده متوفی را به همراه داشته باشند. ممکن است سال‌ها از خاکسپاری متوفی گذشته باشد اما وراث برای ابطال شناسنامه متوفی اقدام نکرده باشند. در این صورت یکی از بازماندگان به همراه شناسنامه جواز دفن می‌تواند به اداره ثبت احوال محل اقامت متوفی مراجعه کند. مدرک دوم گواهی فوت است که براساس اسناد پزشکی و جواز دفن توسط ادارات ثبت احوال صادر و سند رسمی محسوب می‌شود. افراد ذی‌نفع می‌توانند در دست‌داشتن اطلاعات سجلی فرد فوت‌شده از هر یک از ادارات ثبت احوال کشور، با پرداخت هزینه مختصری و به سهولت، یک نسخه اصل گواهی فوت فرد مورد نظر را دریافت کنند و آخرین مورد استشهاده‌ای است که توسط سه نفر از آشنایان (غیر از بستگان نزدیک) در دفتر اسناد رسمی ثبت و گواهی امضا می‌شود که بر اساس آن شهود گواهی می‌دهند ورته متوفی، محدود به افراد ذکرشده در شهادت‌نامه کتبی است. در ماده ۳۶۳ قانون امور حسبی، اختیار تحقیق از شهود در مورد استشهادهی برای مرجع صادرکننده (اکنون شوراهای) پیش‌بینی شده است. بدیهی است اگر اثبات شود شهادت کذب بوده است، شاهد به دادسرا معرفی و مجازات گواهی کذب مطابق ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی» (بخش تعزیرات) ۹۱ روز تا دو سال حبس و یا یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی است. تا چند سال قبل ارائه گواهی تسلیم اظهارنامه مالیاتی نیز ضرورت داشت که اکنون حذف شده است. پس از تکمیل مدارک متن گواهی (با تعیین سهم هر یک مطابق قانون مدنی و در مورد اقلیت‌های مذهبی بر اساس شریعت آنان) در یک نوبت در روزنامه کنترالانتشار یا محلی آگهی می‌شود تا اگر فردی اعتراض دارد ظرف یک ماه از تاریخ نشر اعلام کند، در غیر این صورت گواهی صادر می‌شود. این تصمیم قابل تجدیدنظرخواهی نیست اما اگر فرد ذی‌حقی به محتوای متن اعتراضی داشت می‌تواند از طریق طرح دادخواست «اصلاح گواهی حصر وراثت» در مرجع صادرکننده، تغییر آن را مطابق ادله خود بخواهد. در زمان نقل و انتقال در دفاتر اسناد رسمی یکی از مهم‌ترین مدارک همین گواهی بوده ولی متأسفانه سرفرد الزامی به استعلام صحت و سقم آن ندارد که در عمل مشاهده شده که ارائه گواهی‌های جعلی، حقوق دیگران را پایمال کرده است. برای رفع این مشکل و جلوگیری از جعل، علاوه بر الزامی‌شدن استعلام از شورای حل اختلاف (دستی یا برخط)، می‌توان مانند دیوان عالی کشور روی این سند مهم مالی/حقوقی، هولوگرام الصاق کرد.